

نقش اخلاق در انتخابات نظام مردم سالار اسلامی

سید حسن قاضوی^۱

چکیده

اخلاق انتخاباتی از نوع اخلاق سیاسی و زیر شاخه‌ی اخلاق کاربردی است که به کارگیری آن، می‌تواند جامعه را به سوی انتخاب اصلح راهنمایی کند. انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار سبب مشروعیت بخشی به سازمان، محتوا و رفتار سیاسی جامعه می‌شود. انتخابات اخلاقی از آشکارترین جلوه‌های سیاست اخلاقی، و سیاست اخلاقی میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاق اجتماعی است.

در این پژوهش به روش تحلیلی و بر اساس منشورهای اخلاقی، در باب مشروعیت نقش رأی مردم در حکومت اسلامی و مشروعیت آن، به آیات، روایات، دلیل عقل، قانون اساسی و کتب حقوق اساسی استناد شده است که نشان‌دهنده‌ی نبود هیچ تناقضی بین اجرای احکام شریعت و خواسته‌های عقلایی مردم است و چون کرسی قدرت در نظام الهی برای خدمت است، نباید برای رسیدن به آن از هر وسیله‌ای استفاده شود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد هر چه میزان پای بندی به اخلاق در جامعه بیشتر باشد، میزان مشارکت مردم افزایش و بداخلاقی‌ها کاهش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

انتخابات، اخلاق، نظام مردم سالار اسلامی، دموکراسی، انتخابات اخلاقی، احکام اخلاقی.

مقدمه

انتخابات، در نظام‌های سیاسی مردم سالار و از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران، عرصه‌ی شکل-گیری جمهوریت و رکن مردمی نظام و ضامن بقاء و ثمردهی دست‌آوردهای حکومت می‌باشد. رعایت اخلاق در انتخابات، از آشکارترین جلوه‌های سیاست اخلاقی، و سیاست اخلاقی میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاق اجتماعی است.

گذشته از این که بداخلاقی‌های انتخاباتی به هیچ وجه زینده‌ی جامعه‌ی اسلامی متمدن و فضیلت‌گرای ما نبوده و با مقاصد عالی حکومت اسلامی سازگار نیست زیر پا گذاشتن اخلاق در انتخابات به صورت طبیعی موجب یأس، ناامیدی، نگرانی و تشویش در دل شهروندان می‌شود و این با فلسفه‌ی وجودی انتخابات در تضاد کامل قرار دارد. اخلاق انتخاباتی از جنس اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای است، و حوزه سیاست هم از جمله حوزه‌هایی است که طرح مباحث اخلاقی در آن ضروری می‌نماید. از این‌رو، آن‌چه در این نوشتار مورد نظر واقع شد، بررسی نقش اخلاق در انتخابات است.

مفاهیم کلیدی

واژه انتخابات در لغت به معنای اقتراع، رأی دادن، رفراندوم (جبران مسعود، ۱۳۷۶ ش، ۱ / ۲۲۶) جمع انتخاب: از نَخَبَ به معنای برگزیدن افراد شایسته و اختیار آمده است. (الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ۲ / ۴۲۴؛ الطریحی، ۱۴۰۸ ق، ۴ / ۲۸۲؛ جبران مسعود، ۱۳۷۶ ش، ۲ / ۱۷۳۸).

انتخابات در اصطلاح: روشی که بر اساس اعمال و اجرای آن، نظام از طرف ملت به رسمیت شناخته شده و اعضاء مهم و اجرایی ساختار سیاسی آن توسط مردم از طریق شیوه‌های مستقیم یا غیر مستقیم برای نگهداری و حفظ آرمان‌ها و اهداف جامعه به مسئولیت گمارده و عهده‌دار امور مملکت می‌شوند. (نادری، ۱۳۸۸ ش: ۹). به عبارت دیگر انتخابات، مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تعبیه شده است. از این‌رو، انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین منتخبین است، که می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.

اخلاق در لغت: جمع خُلُق به معنای قوا و سجایا و صفات درونی می‌باشد. که با چشم دل دیده می‌شود. (الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۳ / ۱۲۴؛ الطریحی، ۱۴۰۸ ق، ۱ / ۶۹۳).

اخلاق در اصطلاح: عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی

متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تامل و تروی از آدمی صادر شود (ابی علی مسکویه، بی تا، ص ۵۱) اخلاق دستگاهی از عقاید جاری در جامعه درباره‌ی منش و رفتار افراد آن است، درباره‌ی این که افراد آن جامعه چه رفتار و منشی باید داشته باشند. (مصباح، ۱۳۸۶ ش، ۱۷).

تبار شناسی موضوع

اخلاق انتخابات یکی از زیر شاخه‌های اخلاق کاربردی به نام اخلاق سیاسی است، که در آن جایگاه قدرت و کارگزاران آن مشخص می‌شود. از طرفی جایگاه، اهمیت و اعتبار امر انتخابات در نظام‌های مردم سالار سبب مشروعیت بخشی به سازمان، محتوا و رفتار سیاسی جامعه می‌باشد و این گزینه قابل مقایسه با شیوه‌های دیگر مشروعیت بخشی سیاسی نیست. در جامعه دمکراتیک یا به اصطلاح مردم سالار، و به خصوص جامعه‌ای که متکی بر مردم سالاری دینی است، امر انتخابات از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. زیرا در این شرایط، انتخابات به عنوان نمادی از رشد و تعالی یک کشور در خصوص به اشتراک گذاری تصمیمات کلان حکومت و مبنای واقعی و عینی مردم سالاری در جامعه - ای است که مظاهر دینی در آن اولویت اساسی دارد و این مطلب مؤید این نکته است که بین اجرای احکام شریعت و اجرای خواسته‌های مردمی هیچ تناقضی به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر برای پی بردن به جایگاه و اهمیت موضوع انتخابات در این گونه نظام‌ها، می‌توان آن را از دو منظر دیگر بررسی و به کارکرد آن پی برد:

۱. حساسیت، توجه، مخالفت مخالفان و منتقدان، موضع گیری جناح‌ها، احزاب، گروه‌ها و ... نشان دهنده جایگاه، اثرگذاری و اثر بخشی انتخابات در جامعه است.
۲. تأکید، تبیین، هشدار و آگاهی بخشی موافقان و مخالفان و دلسوزان جامعه که به اهمیت آن واقفند و می‌کوشند تا با تلاش‌ها و فعالیت‌های مستمر و مثمر خود توجه همه‌ی آحاد جامعه را به جایگاه خطیر و حساس این موضوع جلب نمایند، تا بتوانند از نتیجه تلاش‌های خود و توسط ابزاری که در اختیار دارند هم مانع بهره‌برداری و نفوذ مخالفان از این موضوع شده و هم جامعه را به سمت آگاهی در جهت حفظ نعمتی که در اختیار دارند سوق دهند، و ضمن توجه‌دهی به مسئولین و کارگزاران، آنها را به مقابله با هرگونه آفتی که سبب رخنه و خلل و ضعف نسبت به این جایگاه می‌شود هوشیار سازند. (نادری، ۱۳۸۸ ش، ۹ و ۱۰).

پیشینه پژوهش

در یک نگاه کلی، در پژوهش‌های معاصر و مقالاتی که در مجلات علمی - تخصصی و بعضاً علمی - پژوهشی درباره‌ی جایگاه اخلاق در انتخابات منتشر شده است، به صورت جامع چیزی یافت نگردید، و در مقالات موجود تنها به جنبه‌ای از جنبه‌های موضوع، ابعاد و وظایف اخلاقی انتخاب کنندگان و منتخبین در انتخابات پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر ضمن تأکید بر دستاورد و نقاط قوت آن تحقیقات و پاسداشت فضل تقدم آنان، تلاش شده است تحقیقی جامع‌تر با بررسی کامل اسناد، دلایل قرآنی، روایی (که هیچ کدام از تحقیقات نام برده بدین شکل به بررسی موضوع نپرداخته‌اند) بازخوانی مجدد و کاملی از موضوع ارائه گردد، تلاشی که به نظر می‌رسد تاکنون به انجام نرسیده باشد.

تاریخچه طرح اخلاق در تعاملات اجتماعی سیاسی

دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم، یک مدل سنتی و باستانی داشته که در دولت شهرهای یونان باستان (مانند آتن با جمعیتی در حدود چهارصد هزار نفر) و بر اساس دیدگاه فلاسفه و دانشمندانی مانند افلاطون و ارسطو شکل گرفته بود، که در آن مردم به طور مستقیم در امور عمومی شرکت می‌کردند، منتها جمعیتی که این حق را داشتند، افراد مذکر آزاد یونانی تبار بودند نه همه‌ی مردم، چرا که گروه‌های بزرگی از جمعیت این سرزمین مانند خارجیان ساکن دولت شهرها، بردگان، زنان و کسانی که به سن رشد قانونی نرسیده بودند، شهروند تلقی نمی‌شدند، لذا تقریباً حدود یک دهم از کل جمعیت شهرها در قدرت و سیاست سهیم بودند. در اروپای قرون وسطا اندیشه‌های یونان باستان به دست فراموشی سپرده شده بود و سیطره خودکامگی و استبداد، ملل حوزه‌ی تمدن باستانی یونان را قرن‌های متمادی از ریشه‌های تاریخی خود منقطع کرده بود.

اما خوشبختانه شکوفایی علمی و رشد فرهنگی که در این قرون در قلمرو دنیای اسلام به وقوع پیوست، اروپا را از فیض خود بهره‌مند کرد. اندیشمندان مسلمان از راه ترجمه‌ی کتب و آثار یونانیان و خوشه چینی از خرمن تمدن و فرهنگ کشورهای بزرگ باستانی نظیر ایران و مصر و تلفیق آنان با تفکرات حاصل از قرآن کریم و اسلام به سیر تفکر بشری تحرک تازه‌ای بخشیدند و اروپاییان ضمن ایجاد روابط سیاسی و بازرگانی با این حوزه بسیار گسترده و پر تحرک به ویژه ضمن تماس با شرق اسلامی هم به میراث گذشتگان خود وقوف یافتند و هم از انوار فرهنگ دنیای اسلام سود جستند. بعد از آشنائی غربیان با پیشینه‌ی خودشان، این جریان منشاء تحولات سیاسی شده و زمینه‌های

پیدایش دمکراسی جدید فراهم شد. (قاضی، ۱۳۸۵ ش، ۱۱۷ - ۱۱۴؛ شریعتی، ۱۳۸۴ ش، ۱۱۷ - ۴۷).

بی‌شک مباحث اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد، زیرا ما معتقدیم که حضرت آدم پیامبر خدا بود، نه تنها فرزندان را با دستورهای اخلاقی آشنا ساخت بلکه خداوند مسائل اخلاقی را در قالب اوامر و نواهی از زمان خلقت و سکونت در بهشت، به او آموخت. سایر انبیاء نیز یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسان‌ها است پرداختند، تا نوبت به حضرت مسیح علیه السلام رسید که بخش عظیمی از دستوراتش را مباحث اخلاقی تشکیل می‌دهد، و تمام پیروان و علاقه‌مندان او، وی را به عنوان معلم بزرگ اخلاق می‌شناسند. اما بزرگترین معلم اخلاق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که با شعار «لَا تُمَمِّمُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ۶ / ۳۵). مبعوث و خداوند در باره‌ی او فرموده است: «وَأَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم / ۴) به هر حال بعد از ایشان، امامان معصوم علیهم السلام به گواهی تاریخ و روایات اخلاقی گسترده‌ای که از آنان نقل شده، بزرگترین معلمان اخلاق بودند و در مکتبشان مردان برجسته‌ای که هر کدام از آنها را می‌توان یکی از معلمان عصر خود شمرد، پرورش یافتند. در میان فلاسفه نیز بزرگانی مانند افلاطون، ارسطو، سقراط و جمعی دیگر از فلاسفه یونان، از قدیم‌الایام به عنوان معلم اخلاق شناخته می‌شدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ۳۹)

پیشینه‌ی اخلاق کاربردی را در نظریات سقراط می‌توان یافت، در قرون اخیر، اکویناس ق «۱۲م» در باب ازدواج و خانواده، کانت ق «۱۸م» در باب دروغ، بنتام اواخر «ق ۱۸م» در باب مجازات زندان و اخلاق پزشکی، هگل اواخر «ق ۱۸ م» درباره خانواده و مجازات و افرادی مانند: سو آرز، گروتیوس، جان لاک، جان اسوارت میل، راسل کارسون و در قرون «۱۷ الی ۱۹ م» مسایلی را مطرح کرده‌اند.

اما دهه‌ی هفتاد میلادی را دهه‌ی مطرح شدن جدی مباحث اخلاق کاربردی می‌دانند، که در آن کتاب‌های متعددی به چاپ رسید. در این دهه، هنگامی که فلسفه اخلاق به موضوعات اخلاق حرفه‌ای و نیز مسایل اجتماعی از قبیل قتل‌رہایی بخش، رفتار با حیوانات، جنسیت و نژاد، مجازات اعدام، سقط جنین، محیط زیست و تبعیض مثبت توجه کرد، اصطلاحات اخلاق کاربردی (applied ethics) و اخلاق عملی (practical ethics) باب شد.

در منابع مکتوب دنیای اسلام در حوزه‌ی اخلاق اسلامی، سر نخ‌های بسیاری از دل مشغولی‌های عملی و کاربردی دانشمندان مسلمان دیده می‌شود. علاوه بر آداب نویسی‌ها و اندرزنامه نویسی‌های فراوان که به هدف ترویج عملی اخلاق نگارش یافته، با توجه به چالش‌ها و نیازها به طور کلی سه

عرصه‌ی اخلاق دانشوری و تعلیم و تعلم، اخلاق پادشاهی و دولت مردی و حکم رانی و اخلاق طبابت و پزشکی، تک نگاری‌های زیادی را از طرف دانشمندان قرون دوم به بعد مانند عبد الحمید کاتب، ابو زکریا یوحنا (یحیی) بن ماسویه (م ۲۴۳ ق)، اسحاق بن علی الرهاوی (نیمه دوم قرن سوم)، علی بن عباس اهوازی ارجانی (م ۳۸۴ ق)، نظامی عروضی سمرقندی (م ق ۶ ق)، تا سید جعفر دارابی کشفی (م ق ۱۳ ق) به خود اختصاص داده‌اند. (ر ک: اسلامی محمد تقی و همکاران، ۱۳۸۶ ش ۴۹ - ۵۶) از جایی که موضوع دموکراسی و اعتنا به رأی مردم، از طرف متفکران و دانشمندان جامعه‌ی بشریت اعم از انبیاء الهی، فلاسفه، معلمین اخلاق و پیروان آنان وارد فکر و متن جامعه شده، به نظر می‌رسد، از آغاز طرح این موضوع، مباحث اخلاقی و ارزش‌های انسانی با آن توأم بوده است.

تکیه بر رضایت مردم در اسلام

مسلمین همواره درخصوص موضوع کشورداری درگیر بوده و با توجه به مبانی دینی مورد پذیرش خود (کتاب، سنت، عقل و اجماع) به طرح تئوری‌های مختلفی در اداره‌ی حکومت پرداخته‌اند. تاریخ صدر اسلام بیانگر نوعی دموکراسی می‌باشد.^۱ زیرا مسلمانان با بیعت عقبه دوم،^۲ نوع حکومت و سرنوشت آینده‌ی اجتماع خود را مشخص کردند. همچنین در متن پیمانی که در این عقبه مورد بیعت قرار گرفت، ملزم به رعایت اصول اخلاقی دفاع از کیان اسلام، انفاق مال، امر به معروف و نهی از منکر شدند. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸ ش، ۳۰۵ - ۳۱۳). در عملکرد پیامبر گرامی اسلام ﷺ در امور حکومت و شئون آن تفاوت‌هایی به نظر می‌رسد، که به دو دسته ذیل تقسیم می‌شود:

۱. ابلاغ احکام الهی

حضرت رسول مکرم اسلام ﷺ مأمور بود احکام و معارف الهی که از طرف خداوند به ایشان

^۱. البته نه دموکراسی با مفهوم امروزی چرا که رأی مردم در حکومت‌های مردم سالار سبب مشروعیت حکومت است، ولی در اسلام مقبولیت و کارآمدی نظام با رأی مردم انجام می‌شود، به گونه‌ای که اگر مردم نخواهند، نظام اسلامی شکل نمی‌گیرد. به تعبیر دیگر، مردم تنها در تحقق خارجی و اعمال ولایت و کارآمدی حاکمیت نقش ایفا می‌کنند.

^۲. بیعت عقبه دوم بین نمایندگان دو قبیله اوس و خزرج و حضرت رسول گرامی اسلام ﷺ در ذی حجه‌ی سال سیزدهم بعثت منعقد گردید.

وحی می‌شد، به مردم اعلان بکند. از این نظر، او رسول و پیغمبر بود که در آیه‌ای می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده / ۹۹). از این رو، حضرت ﷺ حق ندارد حکمی را از نزد خود تشریح کرده و یا تکلیفی را دگرگون سازند. البته طبق آیه ۴۴ سوره مائده اظهار نظر نکردن در این دستورات، اختصاص به دین اسلام ندارد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹ ش، ۳۹۶ - ۴۰۳)

۲. روش اجرای دستورات و نحوه‌ی پیاده کردن احکام الهی:

رسول مکرم اسلام ﷺ تنها در طرز اجرای قانون، نظر مسلمانان را می‌خواست. در قانون گذاری، هیچوقت مشورت نمی‌کرد و لذا گاهی پیشنهادی را طرح می‌کرد مسلمانان نخست سوال می‌کردند که آیا این یک حکم الهی و یک قانون است، که قابل اظهار نظر نباشد و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می‌باشد، اگر از قبیل دوم بود اظهار نظر می‌کردند و اگر از قبیل اول بود تسلیم می‌شدند. و حضرت ﷺ در سیره سیاسی و اجتماعی خود به رغم برخورداری از حق تصمیم‌گیری فردی، به نظر اکثریت شورا عمل نموده است. مانند جریانی که در جنگ بدر اتفاق افتاد. سپاه پیامبر ﷺ در جنگ بدر زمانی که مکانی را برای توقف انتخاب نمود. حباب بن منذر نزد حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ آیا این نقطه را به فرمان خدا برای نبرد با دشمنان صلاح دیدید، که دیگر برای ما حق اظهار نظر نباشد، حضرت فرمود: موضوع قابل اظهار رأی و نظر است. وی گفت: به نظر من بهتر است که سپاه را حرکت داده و در کنار آب فرود آئیم، و حضرت این دیدگاه را پذیرفته و به آن عمل نمود. (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۲ / ۴۴۰).

مستندات:

مستندات انتخابات اخلاقی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱. عام: قوانین اساسی، منشورهای اخلاقی و کتب حقوق اساسی کشورهایی که نظام مردم سالار دارند.

۲. خاص: آیات، روایات، منشورهای اخلاقی، قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی و کتب حقوق اساسی که در این زمینه تألیف شده است.

برای اثبات نقش رأی مردم در حکومت اسلامی و مشروعیت آن، می‌توان به آیات و روایاتی که در باره موضوع شورا و مشروعیت آن وارد شده است، استناد کرد.

آیات و روایات:

آیات و روایاتی که اصل مشروعیت انتخابات را تبیین می‌نماید:

به دو آیه از قرآن کریم اشاره می‌کنیم.

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»^۱ (شوری

/ ۳۸).

«بِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۲ (آل عمران

/ ۱۵۹).

مشورت» به ویژه در امور اجتماعی و آن چه به سرنوشت جامعه مربوط است، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح کرده و در منابع اسلامی و تاریخ پیشوایان بزرگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد.

چنان که در آیات فوق، خداوند به پیامبر خویش دستور مشورت با مسلمانان داده و در توصیف خصوصیات مسلمانان، آنها را اهل شورا در امور خویش معرفی می‌کند. پیامبر اسلام ﷺ برای اینکه از یک سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند، و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه‌ی اجرای قوانین الهی داشت، جلسه مشاوره تشکیل می‌داد، و مخصوصاً برای رای افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود. چنان که می‌توان گفت، یکی از عوامل موفقیت پیامبر ﷺ در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۳ / ۱۴۲).

طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه سوره آل عمران می‌نویسد:

بدون تردید مسئله حکومت اسلامی بعد از حضرت رسول گرامی ﷺ و غیبت امام زمان ﷺ به دست مسلمانان است و اعمال ولایت در غیر احکام (یعنی در موضوعات) و حوادث زمان و مکان بر اساس شوری می‌باشد. (طباطبائی، ۱۳۹۳ ق، ۴ / ۱۲۲) .

آیه شریفه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» در بیان اوصاف مؤمنان است، کسانی که موفق به دریافت

^۱ کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده، نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند و از آن چه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

^۲ به برکت رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

(ما عندالله) هستند، آنان که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها دوری می‌جویند و دعوت حق را اجابت می‌کنند. اما این دعوت الهی دارای مفهوم وسیعی است که در این آیات به بعضی از مصادیق عبادی و اجتماعی آن اشاره می‌شود، از جمله، به پا داشتن نماز و شورائی بودن امور آنها است. (شوری / ۳۵ الی ۳۹).

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب نظران آنها به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند. اما کسانی که گرفتار استبداد رای هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی می‌شوند. ضمن این که کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد، زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند.

روایات

روایات زیادی دلالت بر لزوم مشورت دارند، و با نگاه به سیره حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام مشاهده می‌کنیم که آن بزرگواران حتی در امور جاری و عادی زندگی مشورت می‌کردند. برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود.

۱. «رسول گرامی اسلام ﷺ در باره اهمیت شورا می‌فرماید: هنگامی که زمامداران شما نیکان شما باشند، و توانگران شما سخاوتمندان، و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است ولی هرگاه زمامدارانتان بدان شما، و ثروتمندان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت زیرزمین از روی آن برای شما بهتر است.»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ۳۶، ح ۱۳).

۲. امام علی علیهم السلام مشورت را به هدایت تشبیه کرده و می‌فرماید: مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲ / ۱۰۴).

۱. «قال رسول الله ﷺ إذا كان أمراءكم خياركم و أغنياءكم سحائبكم و أمركم شوري بينكم فظهر الارض خير لكم من بطنها، و اذا كان أمراءكم شراركم و أغنياءكم بخلائكم و لم يكن أمركم شوري بينكم فبطن الارض خير لكم من ظهرها»

۲. «قال علي عليه السلام الاستشارة عين الهداية و قد خاطر من استغنى برأيه»

۳. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: هیچ جمعیتی در کار خود با یکدیگر مشورت نکردند مگر این که به خیر و صلاح خویش رهنمون شدند.^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق، ۱۶۵).

بنابراین مشورت موجب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل و علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر گرفتار خطا و اشتباه می‌شود. هر فکری جرقه‌ای دارد که در فکر دیگری نیست، هنگامی که این جرقه‌ها به هم ترکیب شوند شعله فروزانی ایجاد می‌کنند که هر تاریکی در پرتو آن روشن می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ۸۷). اصولاً کار دسته جمعی در همه جا سرچشمه‌ی خیر و برکت و ترقی و پیشرفت است، مخصوصاً در مسائل فکری و طرح برنامه‌ها و حل مشکلات که هم فکری و مشورت در آنها اثر اعجاز‌آمیزی دارد. اما آنها که به استبداد فکر خو گرفته‌اند، در زندگی خود بسیار گرفتار اشتباه و **خسران** و زیان می‌شوند. امام علی علیه السلام در مورد اجتناب از استبداد رای فرموده‌اند: «هرکس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های دیگران شریک شد». (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ۶۶۴).

۴. «یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید امام علیه السلام مرا در موضوعی مورد مشورت قرار داد به حضرت گفتم: آیا شایسته است کسی مانند من، به شما مشورت بدهد؟ حضرت فرمودند: هنگامی که از تو مشورت بخواهم، آری». ^۲ (حر عاملی، ۱۳۶۷ ش، ۸ / ۴۲۸، باب ۳۴، ح ۲)

اخلاق در انتخابات:

در عرصه‌ی انتخابات چالش‌های متعدد اخلاقی پیش‌روی داوطلبان و نامزدها، احزاب و ستادهای انتخاباتی، نخبگان و شخصیت‌های تأثیر گذار، انتخاب کنندگان، مجریان، ناظران، مطبوعات و رسانه‌ها وجود دارد.

از جمله چالش‌های پیش‌روی داوطلبان و نامزدها، احزاب و ستادهای انتخاباتی، نخبگان و شخصیت‌های تأثیر گذار، اعم از اینکه (ورود آنان از باب وظیفه باشد یا برای به دست آوردن قدرت)، دو محذور است، از یک طرف باید تمام تلاش خود را برای موفق شدن در انتخابات به کار گیرند و الاً امر لغوی است، و از طرف دیگر یک اصل کلی وجود دارد مبنی بر اینکه ما نمی‌توانیم از هر ابزاری برای رسیدن به مقصود خود استفاده کنیم، و باید در چارچوب‌های تعریف شده اخلاقی حرکت

۱. «قال الحسن علیه السلام ما تشاورَ قومٌ إلا هُدوا الی رُشدِهِمْ»

۲. «عن الفضیل بن یسار قال استشارتني أبو عبدالله علیه السلام مرّةً فی أمرٍ فقلتُ: أصلحك الله منلی یسیر علی منلیک؟ قال: نعم إذا استشرتک».

کنیم.

برای رسیدن به پاسخ چالش مطرح شده، ابتداء مباحثی را با الهام از اعلامیه‌های حقوق بشر، کلام بزرگان و منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران در قالب حکم اخلاقی انتخابات و آفات آن، بیان کرده و در پایان پیشنهاد پژوهش حاضر ذکر خواهد شد.

حکم اخلاقی انتخابات:

انتخابات یکی از عرصه‌های مهم زندگی بشر می‌باشد و انتخابات اخلاقی، از آشکارترین جلوه‌های سیاست اخلاقی و سیاست اخلاقی، میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضائل اخلاق اجتماعی است. لذا از راهکارهای مؤثر ترویج اخلاق در این عرصه، نهادینه سازی عمل به موازین اخلاقی است.

با بررسی اعلامیه‌های حقوق بشر در کشورهای مختلف به‌ویژه اعلامیه‌ی حقوق بشر آمریکا (۱۷۹۰ م) و اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹ م) و تطورات آن تا زمان حاضر و همچنین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م) می‌توان اهم حقوق اخلاقی مربوط به انتخابات را به شرح ذیل بیان نمود:

حق مشارکت همگانی.

وجود آزادی‌ها (اعم از اندیشه، عقیده و آئین، بیان، گردهمایی‌ها، تبلیغات).

تسامح و تحمل و چندگانگی سیاسی.

حکومت اکثریت و احترام به اقلیت.

اصل برابری.

توزیع خردمندانه قدرت.

سرشکن شدن قدرت در هیأت حاکم. (اعلامیه حقوق انسان و شهروند ۱۷۹۳ (فرانسوی): مجمع قانون اساسی، بازبینی شده در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱).

اخلاق انتخابات در جمهوری اسلامی ایران:

قال رسول الله ﷺ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

مسئولیت پذیری از لوازم ضروری برگزاری یک انتخابات اخلاقی است و افراد و گروه‌های دخیل درانتخابات، هدایت حیات‌بخش نبوی را سرلوحه‌ی اقدامات و فعالیت‌های خویش قرار داده، و تمام سعی خود را در جهت انجام هر چه تمام‌تر مسئولیت‌های این عرصه مصروف خواهند ساخت.

با توجه اینکه منشور اخلاقی جمهوری اسلامی ایران حاصل تلاش جمعی از متفکران و اندیشمندان است با بیان قسمتی از مقدمه قانون اساسی، به مهم‌ترین بندهای منشور اخلاقی انتخابات اشاره و سپس با بیانی از مرحوم امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، دیدگاه نظام در خصوص موضوع مورد بحث مطرح می‌شود:

مقدمه قانون اساسی:

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهائی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نوین (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد. (فصل شیوه حکومت در اسلام از مقدمه قانون اساسی).

حضرت امام خمینی علیه السلام:

«از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی و انسانی را در تبلیغ برای خود و کاندیداها و خویش مرعات و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خوداری نمایند که برای پیشبرد مقصود و لو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ مطرود و از انگیزه‌های غیر اسلامی است.» (انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۰ ش، ۲۵).

مقام معظم رهبری علیه السلام:

«معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند، نه هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوش‌بین باشند. (رحماء بینهم) همدیگر را تحمل کنند در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بد اخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن بپرهیزند.» (بیانات معظم له در دیدار با نمایندگان مجلس ششم ۱۳۸۱/۳/۷).

اصول و ارزش‌های اخلاقی انتخابات

انتخابات سالم در جمهوری اسلامی ایران، تابع اصول و ارزش‌های اخلاقی برآمده از متن فرهنگ دینی و هنجارهای پذیرفته شده ملی است، و همه عناصر دخیل در انتخابات خود را به رعایت آن‌ها ملزم می‌دانند. اساسی‌ترین اصولی که سلامت انتخابات را تضمین می‌کنند عبارت‌اند از:

دین محوری و ارزش‌گرایی اسلامی.

کرامت انسانی و عزت نفس.

قانون‌محوری و قانون‌گرایی.

وفای به عهد و امانت داری.

احساس تعلق و مسئولیت جمعی.

پاسخ‌گویی و نقد پذیری.

صداقت و راستی.

وفاق و اعتماد اجتماعی.

حق محوری و انصاف.

مشارکت حداکثری.

همبستگی، استقلال و اقتدار ملی.

پاک دستی و پرهیزکاری مالی.

حفظ منافع ملی و مصالح اسلامی و احترام به آنها.

رشد و تعالی فرهنگ مناسب سیاسی، اجتماعی. (منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی

ایران، مصوب کمیته تدوین و ترویج منشور اخلاقی انتخابات، ۱۳۸۸/۲/۱۹).

محورهای مهم اخلاق در انتخابات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران:

۱. حرکت بر مدار قانون، منویات حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری.

۲. تقویت امید و نشاط ملی در ابعاد مختلف با استفاده از فضای انتخابات و پرهیز از سیاه‌نمایی،

بزرگ‌نمایی مشکلات و تخریب دستاوردهای انقلاب اسلامی و موفقیت‌های دولت‌ها.

۳. استفاده از فضای تبلیغاتی انتخابات به عنوان یک فرصت ملی برای تقویت استقلال کشور،

وحدت ملی و همگرایی قومی و مقابله با توطئه‌های تفرقه افکنانه و جنگ روانی دشمن.

۴. اهتمام مردم برای تعیین نماینده اصلح و پرهیز از تبعیضات قومی و فامیلی.

۵. تلاش برای تبدیل انگیزه‌های قدرت طلبانه به انجام خدمت به مردم و پرهیز از ادبیات برد و

- باخت و جنگ قدرت که موجب بدبینی و یأس مردم خواهد شد.
۶. طرح دیدگاه‌ها و توانمندی‌های افراد مورد نظر و پرهیز از تعریف اغراق آمیز.
۷. ارائه پیشنهادها، برنامه‌ها و دیدگاه‌ها متناسب با جایگاه نمایندگی مجلس شورای اسلامی.
۸. اجتناب از تخریب، تهمت، تحقیر، افشاء اسرار مخفی نامزدهای انتخاباتی در رسانه‌های گروهی، سایت‌های اینترنتی و مجالس.
۹. پرهیز از تبلیغات رنگین و پرهزینه، انتشار تصاویر فریبنده، برگزاری مراسم و میهمانی‌های پرخرج، توزیع هدایا، خرید و فروش آراء و
۱۰. پرهیز نامزدها از مدیون شدن به صاحبان قدرت و ثروت.
۱۱. پرهیز از وعده‌های غیر منطبق با وظایف و اختیارات قانونی نمایندگان از جمله طرح‌های عمرانی.
۱۲. خودداری از مصرف بیت المال، امکانات و فرصت‌های اداری برای تبلیغات انتخاباتی نامزدها.
۱۳. پرهیز از شایعه پراکنی و مسموم کردن فضای انتخابات و تشویش اذهان عمومی و تقویت سلامت روانی و سیاسی جامعه.
۱۴. کنترل احساسات و رفتار هواداران و اعضای ستاد و دفاتر انتخاباتی نامزدها در چارچوب منشور.
۱۵. حفظ بی‌طرفی کامل تمام نیروهای اجرایی و نظارتی انتخابات و دستگاه‌های تبلیغاتی متناسب به حکومت.
۱۶. پرهیز نظامیان و مسئولان دولتی از ورود به احزاب و جناح بندی‌های حزبی و تبلیغات له یا علیه نامزدهای انتخاباتی.
۱۷. احترام به نتایج انتخابات و طرح شکایات در مراجع قانونی و اجتناب از تحریک افکار عمومی و زیرسؤال بردن نتایج انتخابات.
۱۸. پرهیز از تضعیف نظام و ترجیح منافع شخصی و گروهی بر مصالح و منافع ملی.
۱۹. پرهیز از نقض اسلامیت و جمهوریت و هویت مردم سالاری دینی نظام جمهوری اسلامی.
۲۰. کنار رفتن داوطلبان نمایندگی در صورت اطمینان از وجود داوطلبان صالح‌تر. (همان)

آفات اخلاقی انتخابات

از مجموع مطالبی که در آیات، روایات، قانون اساسی، منشور اخلاقی انتخابات و کلمات بزرگان وارد شده است، می‌توان موارد ذیل را به عنوان آفات اخلاقی انتخابات، در جمهوری اسلامی ایران بر شمرد:

سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی مشکلات، تخریب دستاوردهای انقلاب اسلامی و موفقیت‌های دولت‌ها، توطئه‌های تفرقه‌افکنانه، تبعیضات قومی و فامیلی، ادبیات برد و باخت و جنگ قدرت که موجب بدبینی و یأس مردم خواهد شد، تعاریف اغراق‌آمیز، تخریب، تهمت، دروغ، تمسخر دیگران، ادعاهای بدون سند و مدرک، وعده‌های غیرواقعی، هتک حرمت، بردن آبروی افراد، تحقیر، افشاء اسرار مخفی نامزدهای انتخاباتی در رسانه‌های گروهی، سایت‌های اینترنتی و مجالس، تبلیغات رنگین و پرهزینه، انتشار تصاویر فریبنده، برگزاری مراسم و میهمانی‌های پرخرج، توزیع هدایا، خرید و فروش آراء، مدیون شدن نامزدها به صاحبان قدرت و ثروت، وعده‌های غیر منطبق با وظایف و اختیارات قانونی کاندیداها، مصرف بیت‌المال، امکانات و فرصت‌های اداری برای تبلیغات انتخاباتی نامزدها، شایعه پراکنی، مسموم کردن فضای انتخابات و تشویش اذهان عمومی، آسیب رساندن به سلامت روانی و سیاسی جامعه، تحریک افکار عمومی، زیرسؤال بردن نتایج انتخابات، تضعیف نظام، ترجیح منافع شخصی و گروهی بر مصالح و منافع ملی، نقض اسلامیت و جمهوریت و مانند این موارد که در شرع مقدس اسلام این قبیل امور گناه بوده و از طرف شارع مقدس عقوبت دارد.

با مباحثی که در این بخش مطرح شد و با توجه به اینکه تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهم‌ترین هدفی است که ادیان آسمانی و علمای اخلاق کاربردی بر آن تکیه می‌کنند، به نظر می‌رسد همه افراد در گیر در امر انتخابات باید در چارچوبی که از طرف عقلای جامعه و در قالب منشورهای اخلاقی وضع می‌شود، حرکت کنند.

همچنین تمام دلایلی که در ادیان الهی و به خصوص دین مبین اسلام در زمینه‌ی اخلاق از آیات، روایات، عقل، قوانین اساسی، منشورهای اخلاقی، بیانات معلمین اخلاق و ... وجود دارد، علی‌الخصوص ادله‌ای که در باب مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق وارد شده و در عرصه‌ی انتخابات اخلاقی مورد استناد قرار گرفته، اثبات می‌کند که نباید برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده کرد.

جمع بندی

پژوهش حاضر، این مهم را فرا روی پژوهشگران و دلسوزان نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌نهد که انتخابات یکی از عرصه‌های مهم اجتماعی است که سلامت اخلاقی آن می‌تواند جامعه را به سمت کسب مکارم و فضایل اخلاقی سوق داده و جایگاه، اهمیت و اعتبار آن در نظام‌های مردم سالار سبب مشروعیت‌بخشی به سازمان، محتوا و رفتار سیاسی جامعه می‌شود. که با توجه به عملکرد

پیامبر گرامی اسلام □ در مشورت با اصحاب و مردم در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، دلایلی که در ادیان الهی و به خصوص دین مبین اسلام در زمینه‌ی اخلاق از آیات و روایات، قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی، کتب حقوق اساسی، منشورهای اخلاقی، وجود دارد و همچنین نقش رأی مردم در حکومت اسلامی و مشروعیت آن، باید همه‌ی افراد درگیر در امر انتخابات در چارچوبی که از طرف شرع و عقلای جامعه و در قالب منشورهای اخلاقی وضع می‌شود، حرکت کرده و نباید برای رسیدن به هدف (کرسی قدرت) از هر وسیله‌ای استفاده نمود. با نگاهی به آیات و روایات، پیشنهادهای زیر می‌تواند ما را در دستیابی به تحقق نقش اخلاق در انتخابات یاری رساند:

با توجه به اینکه در نظام مردم‌سالار اسلامی، قانون فصل الخطاب است لذا اخلاق انتخاباتی حکم می‌کند، کلیه نامزدها و طرفدارانشان عمل به قانون را به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ اجتماعی به نمایش گذاشته و در چارچوب قوانین مصرح و هر آن چه که در مقام اجرا و نظارت از طریق مجاری قانونی ترسیم می‌گردد، اقدام و عمل نمایند.

رعایت اخلاق در عرصه‌ی رقابت‌ها و تبلیغات انتخاباتی موجب می‌شود تا انتخاباتی در طراز جامعه‌ی اسلامی با داشتن مؤلفه‌های اساسی مشارکت حداکثری، رقابت پرشور، اخلاق مدار، سالم و در نهایت انتخاباتی آگاهانه و توأم با بصیرت، تحقق پیدا کند.

از آنجائی که هدف تشکیل حکومت مردم سالار اسلامی هدایت جامعه به سوی کمال است و از طرفی مردم درس خویش را از حاکمان خود می‌آموزند بنابراین اگر حاکمان نظام اسلامی به دور از اخلاق انتخاباتی انتخاب شده و بر سر کار آیند نمی‌توان امید داشت که مردم در مسیر اخلاق و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی گام بردارند.

به منظور تحقق اهداف والای نظام اسلامی باید گروه‌ها، احزاب و جناح‌های سیاسی موجود در جامعه نسبت به هم خوش بین بوده، همدیگر را تحمل کرده و در جریان انتخابات از ایجاد تشنج، بد اخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن یکدیگر بپرهیزند.

اگر نامزدی می‌خواهد از طریق انتخابات و تبلیغات آن، مردم را نسبت به مطالبات و حقوق خود آگاه و دربارہ‌ی برخی مسائل، روشنگری کند، باید همواره تقوا را در نظر داشته و کاری نکند که موجب سوءظن و بدگمانی و بی‌اعتمادی عمومی شود و یا همراه با تهمت و افترا و غیبت دیگران باشد.

ایجاد فضای اخلاق اسلامی فراگیر در فرایند انتخابات، و پذیرش نتیجه نهائی آن، انتخاباتی پر

شور و حماسی را رقم خواهد زد.
کتمان حقایق و عدم تبیین آنها از سوی نامزدها در انتخابات تنها برای ضربه زدن به رقیب امری
ضد اخلاقی محسوب شده و جایز نیست.
بد اخلاقی‌های انتخاباتی، هرچند اندک، به هیچ روی زینده‌ی جامعه اسلامی نبوده و با مقاصد
عالی حکومت اسلامی سازگار نیست.
ترجیح منافع ملی و جمعی بر منافع فردی در انتخابات، به منظور تبدیل انگیزه‌های قدرت طلبانه
به انجام خدمت، نمونه بارز نقش اخلاق در انتخابات نظام مردم سالار اسلامی است.
توجه به اصل اسلامیت نظام در کنار جمهوریت در انتخابات، از مولفه‌های کلیدی اثرگذار در
هویت دینی و مشروعیت نظام مردم سالاری دینی، مشارکت انتخاب کنندگان را برجسته می‌سازد.

منابع و مأخذ

۱. **قرآن کریم.**
۲. **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹ ش، قم، انتشارات پارسیان.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ق، **تحف العقول**، محقق: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین،
چ دوم.
۴. ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر الدمشقی، ۱۴۰۷ ق، **البدایة و النهایة**، بیروت، دار الفکر.
۵. ابی علی مسکویه، بی تا، **تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق**، قم، انتشارات بیدار.
۶. اسلامی محمد تقی و همکاران، ۱۳۸۶ ش، **اخلاق کاربردی**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. جبران مسعود، ترجمه دکتر رضا انزابی، ۱۳۷۶ ش، **الرائد**، مشهد، آستان قدس رضوی.
۸. حر عاملی، ۱۳۶۷ ش، **وسائل الشیعه**، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتابخانه اسلامی.
۹. خمینی، روح الله، ۱۳۷۰ ش، **انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خمینی** علیه السلام، تهران، موسسه
تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. الزبیدی، ۱۴۱۴ ق، **تاج العروس**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر.
۱۱. زرگری نژاد غلامحسین، ۱۳۷۸ ش، **تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)**، تهران، نشر سمت.
۱۲. شریعتی سعید، ۱۳۸۴ ش، **حقوق ملت و دولت در قانون اساسی**، تهران، نشر اندیشه جوان.
۱۳. طباطبائی سید محمد حسین، ۱۳۹۳ ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الاعلمی
للمطبوعات.
۱۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، **تاریخ الامم و الملوک**، بیروت، دار التراث.
۱۵. الطریحی، مجمع البحرین، ۱۴۰۸ ق، **تحقیق السید احمد الحسینی**، تهران، مکتب النشر و الثقافه

الاسلامیه.

۱۶. قاضی ابوالفضل، ۱۳۸۵ ش، *بایسته های حقوق اساسی*، تهران، نشر میزان.
۱۷. قانون اساسی با رعایت اصلاحات ۱۳۶۸ ش، *ثروای بازنگری قانون اساسی*، بی تا.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۶ ش، *فلسفه و اخلاق*، تهران، شرکت نشر و چاپ نشر بین الملل.
۲۰. مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۹ ش، *پیام قرآن*، قم، ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۲۱. همو، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. همو، ۱۳۸۶ ش، *یکصد و پنجاه درس زندگی*، قم، مدرسه امیر المومنین.
۲۳. *منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران*، مصوب کمیته تدوین و ترویج، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۲۴. نادری شبنم، ۱۳۸۸ ش، *منشور انتخابات: انتخابات در بیان رهبر معظم انقلاب*، تهران، سروش ملل.
۲۵. هاشمی رفسنجانی اکبر، ۱۳۷۹ ش، قم، *تفسیر راهنما*، دفتر تبلیغات اسلامی.